

بررسی نقش میانجی گر سبک‌های دفاعی در رابطه بین
سطح تحول من و رضایت زناشویی

**Assessment of mediatory role defense styles in the
relationship between ego development and marital
satisfaction**

Z. Zareenejad, M.A.

زینب زارعی نژاد*

R. Pourhossein, Ph.D.

دکتر رضا پورحسین**

A. Rahiminejad, Ph.D.

دکتر عباس رحیمی نژاد**

چکیده

در دهه‌های اخیر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی در روابط زناشویی توجه زیادی را به خود جلب کرده است چراکه شخصیت مهمترین و زیربنایی‌ترین مسأله در نارضایتی زناشویی است. با توجه به اهمیت این موضوع پژوهش حاضر به بررسی نقش میانجی گر سبک‌های دفاعی در رابطه بین سطح تحول من با رضایت زناشویی می‌پردازد. این تحقیق در مقوله طرح‌های همبستگی از نوع پیش‌بینی قرار می‌گیرد. بدین منظور از بین جامعه آماری، ۲۰۰ نفر از دبیران ساوجبلاغ با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های

*. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

** . دانشیار دانشگاه تهران

سبک‌های دفاعی DSQ، آزمون تکمیل جملات SCT و پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH جمع‌آوری و مدل مفروض با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از همبستگی و تحلیل رگرسیون نشان دادند که سطح تحول به‌طور غیرمستقیم با میانجی‌گری سبک‌های دفاعی بر رضایت زناشویی (ضریب تأثیر = ۰/۲۱) تأثیر معنادار داشت. لذا می‌توان بر نقش برجسته شخصیت و مولفه‌های آن از جمله سطح تحول من و سبک‌های دفاعی در تعیین رضایت زناشویی تأکید کرد و در جهت تدوین برنامه‌های پیشگیری، آموزشی و درمانی با تأکید بر عوامل شخصیتی تلاش کرد.

واژه-کلیدها: سطوح تحول من، سبک‌های دفاعی، مکانیسم‌های دفاعی، رضایت زناشویی.

Abstract

In recent decades the impact of personality traits on marital relationships has attracted a lot of attention because the character is the most important and the most fundamental issue in marital dissatisfaction. Given the importance of the character, present research studies the mediating role of defense styles in the relationship between marital satisfaction and level of ego developments. Research has shown that correlation can be predicted. For this purpose 200 people were selected by available sampling of Ss, from teachers of Savogbolag township. Data from the defense styles (DSQ), sentence completion test (SCT) and marital satisfaction (ENRICH) questionnaires were collected and the hypothesized model using path analysis methods were used. Results obtained from the correlation and regression analysis showed that ego development indirectly with the mediatory style defense (impact factor: 0/21) had significant impact on marital satisfaction. we can Therefore prove that the role of the personality and its components, in defense style and ego development can determine level of marital satisfaction and key factors in developing a prevention program are education and health with emphasis on personality.

Keywords: ego development, defense style, defense mechanism, marital Satisfaction.

Contact information: z.zarei1362@gmail.com

مقدمه

ازدواج‌های رسمی بین زنان و مردان در هر فرهنگی وجود دارد و ۹۰ درصد از جمعیت جهان حداقل یک‌بار در طول عمر خود ازدواج می‌کنند (باس، ۱۹۸۵؛ نقل از اونیشی، ۲۰۱۲) و این آثار خوشایند بودن آن را تأیید می‌کند (برویبکر و کیمبرلی، ۱۹۹۳؛ نقل از روزن-گرانندن و همکاران، ۲۰۰۴). با وجود همه محاسنی که برای ازدواج در نظر گرفته می‌شود این‌طور نیست که ازدواج می‌تواند همیشه منجر به شادکامی و رضایت زناشویی^۱ منتهی شود، بلکه آمار بالای طلاق، حکایت از افزایش مسائل زناشویی و کاهش رضایت زوجین از زندگی مشترکشان دارد (روزن-گرانندن و همکاران، ۲۰۰۴). مکانیسم‌های درون‌فردی و برون‌فردی بسیاری وجود دارد که رضایت یا نارضایتی زناشویی را به‌وجود می‌آورند و این مکانیسم‌ها، رفتارهای ارتباطی آشکار، عواطف، فیزیولوژی و شخصیت را دربر می‌گیرد (برشید و همکاران، ۱۹۸۴؛ برادبری و فینچام، ۱۹۸۷، ایزنک و ویک فیلد، ۱۹۸۱؛ گاتمن، ۱۹۹۴؛ جاکوبسون، ۱۹۸۵؛ نقل از تامسن و گیلبرت، ۱۹۹۸).

در دهه‌های اخیر تأثیر شخصیت بر تعامل و صمیمیت دو نفره در روابط زناشویی توجه زیادی را به خود جلب نموده است چرا که شخصیت مهمترین و زیربنایی‌ترین مسأله در نارضایتی زناشویی است (گورمن، ۲۰۰۸؛ هاروی ۲۰۰۵؛ شعله ورد، سکاوری، ۲۰۰۳؛ دیومین و اوتات، ۱۹۸۷). یکی از متغیرهای شخصیتی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است تحول من می‌باشد که بر طبق یافته‌های پژوهشی پیشین این متغیر با انواعی از روابط افراد با یکدیگر ارتباط دارد (اسونسن، ۱۹۷۶). من مرحله‌ای از رشد و تحول را از یک مرحله نامتمایز و ساده شروع کرده و به مراحل متمایز و یکپارچه می‌رسد که در این مسیر تغییرات متعددی از جمله تحمل ابهام، مهارگری محیط، توانایی برقراری رابطه با دیگران، توانش تشخیصی و ارزش قایل شدن برای خودپیروی و فردیت رخ می‌دهد (کینر، ۲۰۰۲). متغیر شخصیتی دیگری که در این پژوهش بررسی می‌شود سبک‌های دفاعی من می‌باشد. مکانیسم‌های دفاعی^۲ به تلاش‌های عمدتاً ناخودآگاه یا خودکار اشاره دارد که برای حفظ ثبات روانی در مواجهه با عوامل تنش‌آور داخلی و خارجی از طریق اصلاح چگونگی درک واقعیت به کار می‌رود

(کرامر، ۱۹۹۸، کرامر، ۲۰۰۰، وایلنت، ۱۹۷۱؛ وایلنت، ۱۹۹۴؛ نقل از کوهن و همکاران، ۲۰۱۳). افراد در مکانیسم‌های دفاعی خاصی که به کار می‌برند با هم اختلاف پیدا می‌کنند. به این تفاوت‌های خلق و خوی شناختی، سبک‌های دفاعی^۳ گفته می‌شود (کان و اولسون، ۲۰۰۷). اندروز، سینگ و باند (۱۹۹۳). بر اساس طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی وایلنت (۱۹۷۱، ۱۹۷۶) در مورد مکانیسم‌های دفاعی، بیست مکانیسم را به سه سبک دفاعی تحول‌یافته، روان‌آزرده‌وار و تحول‌یافته تقسیم کردند. مکانیسم‌های دفاعی تحول‌یافته به منزله راهبردهای کنار آمدن انطباقی، به‌هنگار و کارآمد محسوب می‌شوند، در حالی که مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده‌وار و تحول‌نیافته، راهبردهای کنار آمدن غیرانطباقی و ناکارآمد هستند (بشارت، ۲۰۱۱). پیشینه معتبری نشان می‌دهد که در بزرگسالی مکانیسم‌های دفاعی با متغیرهای شخصیتی و جنبه‌هایی از سازش‌یافتگی و سازش‌نایافتگی مرتبط هستند (کرامر، ۱۹۹۹؛ کرامر و تراسی، ۲۰۰۵). زیگلر-هیل و همکاران (۲۰۰۸؛ نقل از محمدپناه اردکان، ۱۳۹۱) اظهار داشته‌اند دفاع‌های تحول‌یافته با حرمت خود پایدار و پیامدهای مثبتی چون روابط اجتماعی مناسب، موفقیت شغلی و رضایت از زندگی مرتبط هستند. تحقیقات زیادی نشان داده است که مکانیسم‌های دفاعی به‌طور منطقی این ظرفیت را دارند که در مداخلات تشخیصی و درمانی به‌خصوص در حوزه روابط زناشویی در نظر گرفته شوند (بارد، ۲۰۰۴).

نادلسن و همکاران (۱۹۸۱) بیان کردند که به‌منظور درک فرایندهای سازش‌یافته در ازدواج لازم است تا میزان تحول فردی و سهم درون روانی فرد را تفسیر کرد. از این‌رو تحول ازدواج و افراد به‌طور اجتناب‌ناپذیری درهم تنیده‌اند. طبق مطالعه‌ای که با هدف بررسی رابطه سطح تحول من (آزمون لووینگر) و بلوغ در روابط نزدیک انجام شد، همبستگی پیرسون، ارتباط خطی مثبت میان تحول من و بلوغ روابط نزدیک را در زنان و مردان نشان داد و مبانی نظری از این فرضیه حمایت می‌کند که سطوح تحولی برای پیشی گرفتن در مراحل تحولی روابط نزدیک در گروه مردان و زنان لازم است، ولی کافی نیست (کاستوز و همکاران، ۱۹۹۰). پوراآقاجان (۱۳۸۶) دریافت که سطح تحول من یا به‌عبارتی سطح ارتباط با واقعیت و مهارگری و تنظیم کشاننده‌های درونی و پختگی من در متقاضیان جراحی زیبایی نسبت به غیرمتقاضیان پایین‌تر

می‌باشد و از آنجایی که می‌توان نقش من در مواجهه با عوامل تهدیدکننده را همچون نقش سیستم ایمنی در برابر عوامل آسیب‌زا در نظر گرفت، این نتیجه‌گیری منطقی است که بالاتر بودن سطح تحول من، قابلیت‌های تحول‌یافته‌تر حل تعارض و مقابله‌های منطقی‌تری را در جمعیت غیرمتمقاضی رقم می‌زند (پورآقاجان، ۱۳۸۶). با توجه به پیشینه پژوهشی که بیان شد، ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از رابطه زناشویی ارتباط دارند (دونلان، ۲۰۱۳). با در نظر گرفتن اینکه من جنبه سازمان یافته شخصیت بوده و بر چگونگی دریافت و تفکر افراد از مسائل نظارت می‌کند و از طریق مراحل تحولی (سطوح تحول من) توسعه می‌یابد (اسونسن و همکاران، ۱۹۸۱). همچنین با توجه به اینکه مهمترین عملکرد من مهارگری تکانه است که یکی از شاخص‌های تشخیصی سطوح تحولی من است و یکی از راههای مهارگری تکانه کاربرد مکانیسم‌های دفاعی است و افراد در زندگی زناشویی برای کنار آمدن با تنیدگی‌های زندگی از این مکانیسم‌ها استفاده می‌کنند، بنابراین در این مطالعه ما به بررسی نقش میانجی گر سبک‌های دفاعی در رابطه بین سطح تحول و رضایت زناشویی تمرکز می‌کنیم.

فرضیه پژوهش

سبک‌های دفاعی در رابطه بین سطح تحول من و رضایت زناشویی نقش میانجی گر ایفا می‌کند.

روش

طرح پژوهش جامعه آماری، نمونه و روش اجرا: پژوهش حاضر در مقوله طرح‌های همبستگی و تحلیل رگرسیون قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دبیران زن و مرد شهرستان ساوجبلاغ تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان مدارس این شهرستان مشغول به تدریس هستند. پس از هماهنگی با مدیریت آموزش و پرورش شهرستان مشخص شد که جامعه آماری ۲۷۵۴ نفر می‌باشد که از این تعداد، ۲۰۰ نفر (۱۱۵ نفر زن و ۸۵ نفر مرد) به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شده است. نمونه‌های این پژوهش از ۲۱۴ مدرسه ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان این شهرستان به روش نمونه‌گیری

در دسترس انتخاب شده و در این پژوهش شرکت کرده‌اند. روش اجرای پژوهش بدین صورت بود که ابتدا در هر مدرسه منتخب یک جلسه توجیهی تشکیل شد و در این جلسه مطالبی در خصوص اهمیت این پژوهش و نحوه پاسخگویی به هر یک از پرسشنامه‌ها (پرسشنامه سبک دفاعی DSQ^۴، پرسشنامه رضایت زناشویی Enrich^۵ و آزمون تکمیل جملات SCT^۶ بیان شد و در ادامه آزمودنی‌ها به صورت فردی به پرسشنامه اطلاعات شخصی و پرسشنامه‌های مذکور پاسخ دادند.

ابزار پژوهش:

۱) پرسشنامه رضایت زناشویی (ENRICH): این پرسشنامه که توسط اولسون، دراکمن و فورنیر (۱۹۷۸ و ۱۹۸۷) ساخته شده است، به عنوان یک ابزار پژوهشی معتبر در تحقیقات متعدد برای سنجش سطح رضایت‌مندی در رابطه زناشویی استفاده می‌شود. پرسشنامه دارای ۱۱۵ سؤال و ۱۲ مقیاس شامل پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، موضوع‌های شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، بستگان و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری عقیدتی است که روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۵-۱ نمره‌گذاری می‌شود. فرم ۴۷ سؤالی این پرسشنامه توسط سلیمانیان (۱۳۷۳) تهیه شده و قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شده است. رسولی (۱۳۸۱) نیز ضریب اعتماد این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۹۲ گزارش کرده است (نقل از شاهی و همکاران، ۱۳۸۹). روش نمره‌گذاری پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی: پرسشنامه به صورت پنج‌گزینه‌ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است که به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود.

۲) آزمون تکمیل جمله (SCT): آزمون تکمیل جمله واشنگتن به عنوان نتیجه نهایی مطالعات لووینگر و همکاران، مبنای تعریف وسیع او از مفهوم "تحول من"، به منظور بررسی و اندازه‌گیری تجلیات این سازه محوری شخصیت در سال ۱۹۷۰ ابداع شد. این مقیاس پس از تجدید نظر در سال ۱۹۸۱ توسط‌های و لووینگر با حذف نام دانشگاه واشنگتن در تحقیقات مختلف به کار می‌رود. این آزمون یکی از ابزارهای فراکن است و در محرک‌ها و پاسخ‌های آن فقط از کلمات استفاده می‌شود

و دارای دو فرم کوتاه و بلند و همچنین دو فرم متفاوت برای زنان و مردان می‌باشد. آزمون، قابل اجرا به صورت فردی و گروهی است. با توجه به چارچوب‌های نظری سازنده آزمون، پاسخ آزمودنی روی یک مقیاس ۸ درجه‌ای به شرح ذیل دسته‌بندی می‌شود: E2 تکانشگر، E3 خود حمایتگر، E4 هم‌نوا، E5 خودآگاه، E6 وظیفه‌شناس، E7 فردیت یافته، E8 خودگردان و E9 توحید یافته (های و لووینگر، ۱۹۹۸؛ نقل از تقی یاره، ۱۳۸۲). در خصوص قابلیت اعتماد و درستی آزمایی این مقیاس می‌توان اینگونه توضیح داد که در پرسشنامه‌های شخصیت هدف اصلی عینیت است. این پرسشنامه‌ها را به آسانی می‌توان نمره‌گذاری کرد و قابلیت اعتماد آنها را ارزیابی نمود، لیکن ساختار انعطاف‌ناپذیر آنها، آزادی بیان را به شدت محدود می‌کند. اما آزمون‌های فرافکن عینی نیستند. آزمون SCT نیز یکی از ابزارهای فرافکن است. پس مانند تمام آزمون‌های فرافکن انتظار می‌رود که قابلیت اعتماد مشخص و ثبت شده‌ای نداشته باشد. این ویژگی برای هیچ آزمون فرافکنی تا به امروز جزء معایب نبوده است (فیرس، ۱۳۸۵). به طور خلاصه می‌توان گفت قابلیت اعتماد مقیاس تجدیدنظر شده سال ۱۹۸۱ حداقل در سطح مقیاس ۱۹۷۰ می‌باشد (نقل از تقی یاره، ۱۳۸۲).

۳ پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ): پرسشنامه سبک‌های دفاعی نخستین بار توسط باند و همکاران به منظور بررسی مکانیسم‌های دفاعی در افراد بهنجار و بیمار در سال ۱۹۸۳ تدوین گردید. این پرسشنامه ۸۸ ماده را دربر می‌گرفت و ۲۴ مکانیسم را واری می‌نمود. پرسشنامه DSQ که به وسیله اندروز و همکاران (۱۹۹۳) گسترش یافت، سه مجموعه از دفاع‌ها را که ممکن بود توسط پاسخ‌دهنده‌ها به کار رود، ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است و ۲۰ مکانیسم دفاعی را در سه سطح تحول یافته، روان‌آزرده‌وار و تحول‌نیافته مورد ارزیابی قرار می‌دهد (اندروز و همکاران، ۱۹۹۳). پرسشنامه سبک دفاعی (DSQ) در ایران توسط حیدری‌نسب (۱۳۸۵) نیز هنجاریابی شده است. قابلیت اعتماد این پرسشنامه از طریق روش بازآزمایی و محاسبه آلفای کرونباخ ارزیابی شده است. ضریب اعتماد و آلفای کرونباخ در گروه‌های مورد مطالعه به تفکیک در دانش‌آموزان و دانشجویان و جنسیت گروه نمونه و نیز سبک‌های دفاعی نشان داد که بالاترین آلفای کلی در مردان دانشجو ۰/۸۱ و کمترین آلفای کلی در زنان دانش‌آموز ۰/۶۹ مشاهده می‌شود. در سبک‌های دفاعی بالاترین آلفا مربوط به سبک تحول‌نیافته ۰/۷۲ و کمترین مربوط

به سبک روان‌آزرده وار ۰/۵۱ بود. بر این اساس بالاترین آلفای کرونباخ محاسبه شده بین دو نیمه آزمون مربوط به مردان دانشجو و کمترین به سبک روان‌آزرده وار مربوط می‌شود. همچنین همبستگی‌های مربوط به دو بار اجرای پرسشنامه با فاصله سه هفته در گروه‌های مورد مطالعه معنادار بوده است. بر اساس این یافته‌ها مشخص گردید پرسشنامه سبک‌های دفاعی در گروه‌های مورد مطالعه از قابلیت اعتماد مناسبی برخوردار است (حیدری‌نسب و همکاران، ۱۳۸۶). در نمره‌گذاری این آزمون برای هر سبک دفاعی، میانگین نمره‌های آن سبک محاسبه می‌شود (دادستان، علی‌بخشی و پاکدامن، ۱۳۸۷).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: پژوهش حاضر در مقوله طرح‌های همبستگی و تحلیل رگرسیون قرار می‌گیرد. برای تحلیل داده‌های آن از شاخص‌ها و روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، میانگین، انحراف معیار و روش‌های آمار استنباطی مانند همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون و آزمون T مستقل و F استفاده شده است.

داده‌ها یافته‌ها

توصیف داده‌ها: در نمونه مورد مطالعه این پژوهش، ۱۱۵ زن (۵۷/۵ درصد) و ۸۵ مرد (۴۲/۵ درصد) شرکت داشتند. میانگین و انحراف استاندارد سن برای زنان به ترتیب ۳۵/۷۸ و ۶/۴۲ و برای مردان به ترتیب ۴۰/۰۷ و ۶/۶۸ بود.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد، کمینه، بیشینه، کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
رضایت زناشویی	۱۴۹/۴۹	۲۱/۶۸	۸۷	۱۹۲	-۰/۴۷	-۰/۰۱
سبک دفاعی تحول یافته	۴۶/۱۵	۹/۴۵	۱۳	۶۸	-۰/۲۴	-۰/۱۰
سبک دفاعی تحول نایافته	۱۰۶/۰۳	۲۵/۸۱	۵۵	۱۷۵	۰/۳۵	-۰/۴۷
سبک دفاعی روان‌آزرده	۴۵/۳۵	۹/۱۳	۲۱	۶۷	-۰/۲۱	-۰/۱۲
سطح تحول من	۳/۹۹	۱/۱۳	۱	۷	-۰/۲۴	۰/۵۵

تحلیل داده‌ها: مدل مفروض با استفاده از فن تحلیل مسیر با روش بیشینه برآورد مورد آزمون قرار گرفت. برای این منظور از نرم‌افزار ایموس ۱۸ استفاده شد. در مدل مفروض سطح

بررسی نقش میانجی گر سبک‌های دفاعی در رابطه بین سطح تحول من و رضایت زناشویی

تحول متغیر برون‌زا، سبک‌های دفاعی متغیرهای میانجی (و در عین حال درون‌زا)، و رضایت زناشویی متغیر درون‌زا بودند. شاخص‌های برازش مدل مسیر در جدول شماره (۲) ارائه شده‌اند. به منظور برازش بهتر مدل با داده‌ها مسیر کوواریانس خطای برخی از متغیرها به پیشنهاد نرم‌افزار آزاد شد. قابل ذکر است که تنها مسیرهایی آزاد شدند که به لحاظ نظری و آماری توجیه‌پذیر بودند. مربع کای (X^2)، نسبت مربع کای به درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI) و ریشه دوم برآورد تغییرات خطای تقریب (RMSEA) در حد مطلوب است. بر اساس این شاخص‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مدل اول، برازش بسیار خوبی با داده‌ها دارد (هومن، ۱۳۸۸).

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل مفروض با داده‌ها

X^2	P	df	X^2/df	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
۲/۲۱	$P > ۰/۰۵$	۱	۲/۲۱	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۳	۰/۰۶

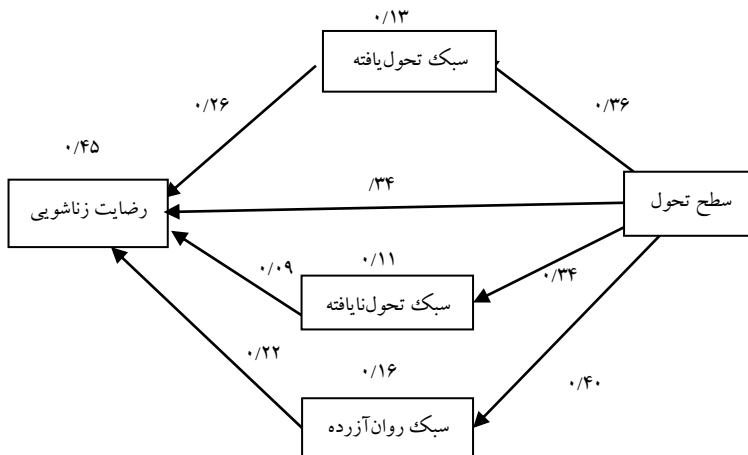
در جدول شماره (۳) ضرایب استاندارد شده مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر نمایش داده شده است.

جدول ۳: ضرایب استاندارد مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل اول و ضرایب تبیین

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	ضریب تبیین
بر روی سبک تحول یافته از:				۰/۱۳
سطح تحول	۰/۳۶ ^{**}	-	۰/۳۶ ^{**}	
بر روی سبک تحول نایافته از:				۰/۱۱
سطح تحول	-۰/۳۴ ^{**}	-	-۰/۳۴ ^{**}	
بر روی سبک روان آزرده از:				۰/۱۶
سطح تحول	-۰/۴۰ ^{**}	-	-۰/۴۰ ^{**}	
بر روی رضایت زناشویی از:				۰/۴۵
سطح تحول	۰/۳۵ ^{**}	۰/۲۱ ^{**}	۰/۵۶ ^{**}	
سبک تحول یافته	۰/۲۶ ^{**}	-	۰/۲۶ ^{**}	
سبک تحول نایافته	-۰/۰۹	-	-۰/۰۹	
سبک روان آزرده	-۰/۲۲ ^{**}	-	-۰/۲۲ ^{**}	

** : $P < ۰/۰۱$

بر اساس داده‌های جدول فوق سطح تحول توانست سبک دفاعی تحول یافته ($r^2=0/13$)، تحول نایافته ($r^2=0/11$) و روان آزرده ($r^2=0/16$) را تبیین کند. رضایت زناشویی در مجموع توسط تمامی مدل‌های درون مدل تا ۴۵ درصد تبیین شد. سطح تحول بر سبک‌های تحول یافته (ضریب تأثیر = $0/36$)، تحول نایافته (ضریب تأثیر = $-0/34$)، روان آزرده (ضریب تأثیر = $-0/40$) و رضایت زناشویی (ضریب تأثیر = $0/35$) به طور مستقیم اثرگذار بود. رضایت زناشویی به طور مستقیم سبک‌های تحول یافته (ضریب تأثیر = $0/26$) و روان آزرده (ضریب تأثیر = $-0/22$) اثر پذیرفت. قابل ذکر است که اثر مستقیم سبک تحول نایافته بر رضایت زناشویی (ضریب تأثیر = $-0/09$) به لحاظ آماری قابل توجه نبود. سطح تحول به طور غیرمستقیم با واسطه سبک‌های دفاعی بر رضایت زناشویی (ضریب تأثیر = $0/21$) تأثیر معنادار داشت. ضرایب اثر نشان‌دهنده شدت و جهت تغییرات همزمان دو متغیر هستند. برای مثال ضریب اثر مستقیم $0/36$ از سطح تحول بر سبک تحول یافته گویای این است که با افزایش نمرات سطح تحول به میزان یک واحد انحراف استاندارد، نمره سبک دفاعی تحول یافته $0/36$ انحراف استاندارد افزایش (به‌علت مثبت بودن ضریب) می‌یابد. شکل شماره (۱) نمودار مسیر مدل برازش یافته را نمایش می‌دهد.



شکل ۱: نمودار مسیر مدل برازش یافته

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده بیانگر تأیید فرضیه نقش واسطه‌گری سبک‌های دفاعی در رابطه بین سطح تحول من و رضایت زناشویی است. این نتایج حاکی از این است که کاربرد سبک‌های دفاعی تحول‌یافته در سطوح پیشرفته تحول من، رضایت زناشویی بالا و به عکس استفاده از سبک‌های دفاعی تحول‌نیافته در سطوح تحولی پایین، رضایت زناشویی کمتر را به دنبال دارد. نتایج این پژوهش در راستای یافته‌های پژوهشی دیگر (برای مثال کرامر، ۱۹۹۹؛ جاکوبسن، ۱۹۸۰؛ اسونسن، ۱۹۸۱؛ نومن، ۱۹۹۸) قرار دارد.

این یافته را اینگونه می‌توان تبیین کرد که با توجه به دیدگاه اریکسون، من را می‌توان به‌عنوان محور شخصیت در نظر گرفت که به افراد کمک می‌کند با تعارض‌ها و بحران‌های گوناگون زندگی سازش شوند می‌یابند و اجازه نمی‌دهد آنها فردیت را به نیروهای هم‌سطح‌کننده جامعه ببازند. تحول من به‌صورت خودکار روی نمی‌دهد و وجود من در معرض آسیب‌پذیری‌های گوناگون قرار دارد. من برای غلبه کردن بر ناپختگی و آسیب‌پذیری، نسبت به این که تحت مهار کردن امیال غیر قابل قبول و خواسته‌های محیطی قرار می‌گیرد، باید منابع یا نیروهایی داشته باشد که یکی از این منابع، مکانیسم‌های دفاعی می‌باشد. زمانی که من مسیر تحولی را طی می‌کند، می‌توان شاهد چنین وضعیتی در مکانیسم‌های دفاعی نیز بود. به‌طوری‌که در نظریه لویونگر مدلی ارائه می‌شود که در آن افراد مضطرب تکانه‌هایشان را مدیریت کرده و خود را در ارتباط با دیگران درک می‌کنند (بلاسی، ۱۹۹۸؛ نقل از نیومن، ۲۰۰۵). با پیشرفت در سطوح تحول من، مکانیسم‌های دفاعی نیز متحول شده و با افزایش پیچیدگی شناختی، ظرفیت و توانایی من در برقراری تعادل بین خواسته‌های درون و واقعیت‌های بیرونی بیشتر می‌شود. بیکن و رومینگ (۱۹۹۸) بیان می‌کنند که سطح بالای سازش‌یافتگی برای رسیدن به سطوح بالای من الزامی است. بنابر این کاربرد سبک‌های دفاعی تحول‌نیافته و روان‌آزرده و رفتار کردن به شیوه تکانشی که در سطوح پائین‌تر تحول من به کار می‌رود، به دوری از واقعیت منجر شده و باعث کنندی و توقف در مسیر تحول من می‌شود و به دنبال آن روابط بین فردی ضعیف شده و در روابط زناشویی، کاهش در رضایت زناشویی را به دنبال خواهد داشت. در حالی که در

بررسی نقش میانجی گر سبک‌های دفاعی در رابطه بین سطح تحول من و رضایت زناشویی

سبک‌های دفاعی تحول‌یافته که با افزایش ظرفیت شناختی در سطوح بالاتر من همراه است، مهارگری و ایجاد تعادل بین نیروهای متعارض با در نظر گرفتن واقعیت و آگاهی هوشیارانه از احساس‌ها، افکار و پیامدها صورت می‌پذیرد. لذا این سطح از کارکرد دفاعی، به انطباق بهینه در مواجهه با عوامل تنیدگی منجر شده که زمینه صعود به سطوح پیشرفته تحول من را نیز فراهم می‌کند و رسیدن به سطوح بالای تحولی، کامروایی و رضایتمندی در زندگی فرد از جمله رضایت زناشویی ایجاد می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

- | | |
|--|--------------------------------|
| 1- Marital Satisfaction | 2- Defense Mechanism |
| 3- Defense Style | 4- Defense Style Questionnaire |
| 5- Evaluation & Nurturing
Relationship Issues | 6- Sentences Complete Test |
| Communication and happiness | |

منابع و مآخذ فارسی:

- پورآقاجان، شبنم. (۱۳۸۶). بررسی سطح تحول من و گرایش به جراحی‌های زیبایی‌ساز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
- تقی‌یاره، فاطمه. (۱۳۸۲). بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- دادستان. پ.؛ علی‌بخشی، ز.؛ پاکدامن. ش. (۱۳۸۷). سبک‌های دفاعی در انواع شخصیت خوددوست‌دار: یک همبستگی بنیادی. روانشناسان ایرانی، ۱۸، ۹۹-۱۰۹.
- حیدری نسب، لیلا. (۱۳۸۵). مقایسه مکانیسم‌های دفاعی در نمونه‌های غیر بالینی و بالینی براساس هنجاریابی و یافته‌های مبتنی بر روان‌سنجی پرسشنامه‌های ایرانی سبک‌های دفاعی *DSQ*. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- شاهی. عبدالستار، غفاری. ابراهیم، قاسمی. خلیل. (۱۳۸۹). رابطه سلامت روان و رضایتمندی زناشویی زوجین. گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.

بررسی نقش میانجی گر سبک‌های دفاعی در رابطه بین سطح تحول من و رضایت زناشویی

فیرس، جی‌ای و ترال، تیموتی جی. (۱۳۸۵). *روانشناسی بالینی: مفاهیم، روش‌ها و حرفه‌ها*.

ترجمه مهرداد فیروزبخت، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.

فیست، جس و فیست، گریگوری جی. (۱۳۸۴). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی

سیدمحمدی، چاپ اول، تهران: نشر روان.

محمدپناه اردکان. عذرا؛ یعقوبی. حسن؛ یوسفی. رحیم. (۱۳۹۱). صفات شخصیت و سبک‌های

دفاعی در افراد داوطلب جراحی زیبایی؛ *مجله پوست و زیبایی*. دوره ۳(۲)، صفحه ۷۲-۸۲.

منابع و مأخذ خارجی:

Bard, B.(2004). Psychological defense mechanisms: a new perspective. *AmJ psychoanal*, 64.

Besharat, M.A., Shahidi, SH. (2011). What is the relationship between alexithymia and ego defense styles? A correlational study with Iranian students. *Asian Journal of psychiatry*, v4, I 2, p 145-149.

Cohen, Shiri., Johanna C. Malone., Sabrina R. Liu., George E. Vaillant., Robert J. Waldinger. (2013). Adaptive midlife defense mechanisms and late-life health. *Personality and Individual Differences* 55, 85-89.

Costos, Daryc., White, Kathleen M., Houlihan, John and..Speisman Joseph C.(1990); Adult development in individuals an relation; *Journal of research in personality*24, 371-386.

Cramer, P., Tracy, A. (2005). The pathway from child personality to adult adjustment: The road is not straight; *Journal of research in personality*; page 364-394.

Donnellan, Brent., Mikhila N.Humbad, M., William G. Iaconi, Matthew McGue, S. Alexandra Butt(2013) ;Quantifying the association between personality similarity and marital adjustment using profile correlations: A cautionary tale; *Journal of Research in personality* , page 97-106.

Gurman, A.S. (2008). *Clinical handbook of couple therapy*. New York: The Guilford press.

Keener, D.C. (2002). "The relationship between adolescent ego development and patterns of parental control", Distinguished majors thesis, University of Virginia.

Kwon, P., & Olson, M.L. (2007). Rumination and depressive symptoms: moderation role of defense style immaturity, *Personality and Individual Differences*, 43,715-724.

- Newman, Denise, L. (2005). Ego Development and Ethnic Identity Formation in Rural American Indian Adolescents. *Child Development, Volume 76, Number 3*, P 734-746.
- Onyishi, Ernest, I., Pitor Sorokowska Agnieszka Sorokowska, R. Nathan Pipitone. (2012). Children and marital satisfaction in a non-Western sample: having more children increases marital satisfaction among the Igbo people of Nigeri. *Evolution and human behavior*, page 771-774.
- Rosen-Grandon, J.R., Myers, J.E. & Hottie, J.A. (2004). Relation between marital characteristic, marital interaction proces and marital satisfaction; *Journal of counseling* 82.
- Swensen Ron, W., Clifford, H., Eskew, Karen A., Kohlhepp. (1981). Stage of family life cycle, Ego Development and the marriage relationship; *Journal of marriage and the family* (841-453).
- Thomsen, Gilbert. (1998). Factors characterizing marital conflict states and traits physiological \ afective\ behavioral and neurotic variable contributions to marital conflict and satisfaction, *Personality and Individual Differences*, 58, (833-8550).